

کلاس کنکور

آکادمی کنکور دانشگاه تهرانی ها

شماره تلفن : 021-88683915

آدرس:

تهران - سعادت آباد - بلوار فرهنگ - کوی فرهنگ -
شهرک نیایش - خیابان 12 متری محمدی - پلاک 7

اولین

موسسه ی

کنکوری
کشور

با کادر

رتبه های تک
رقمی

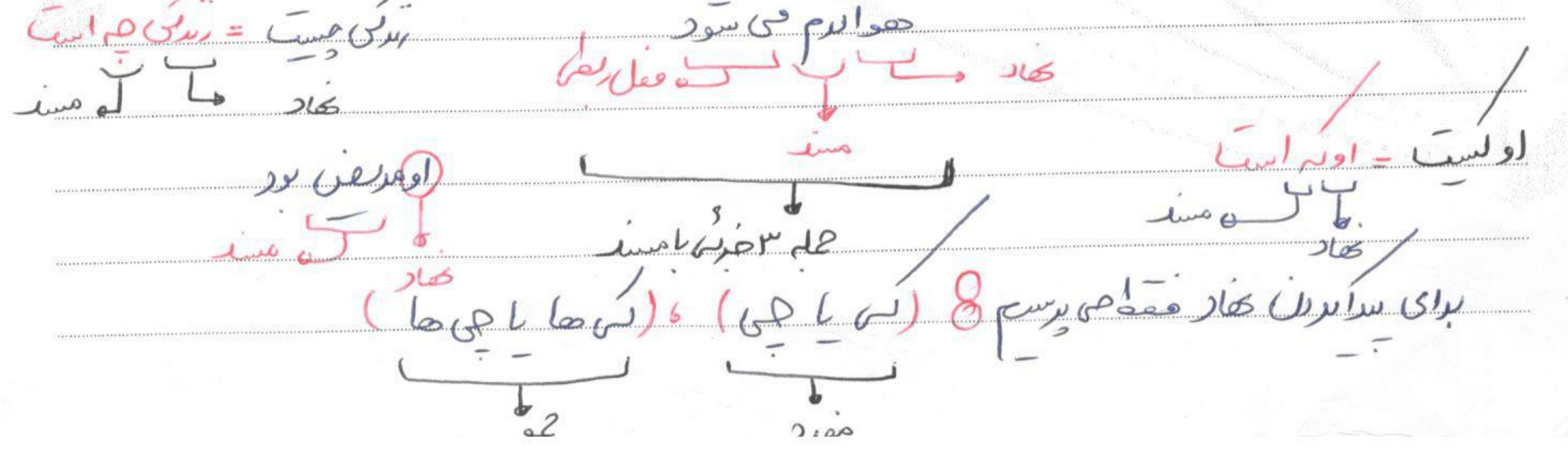
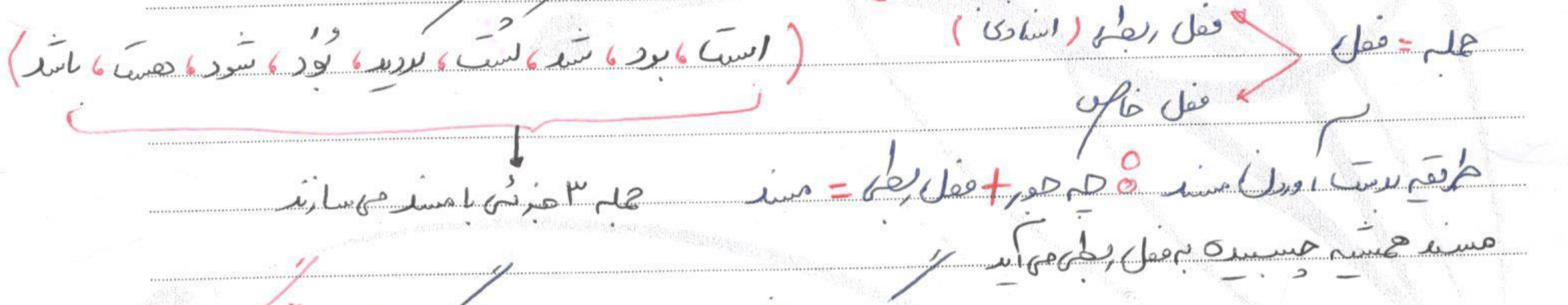
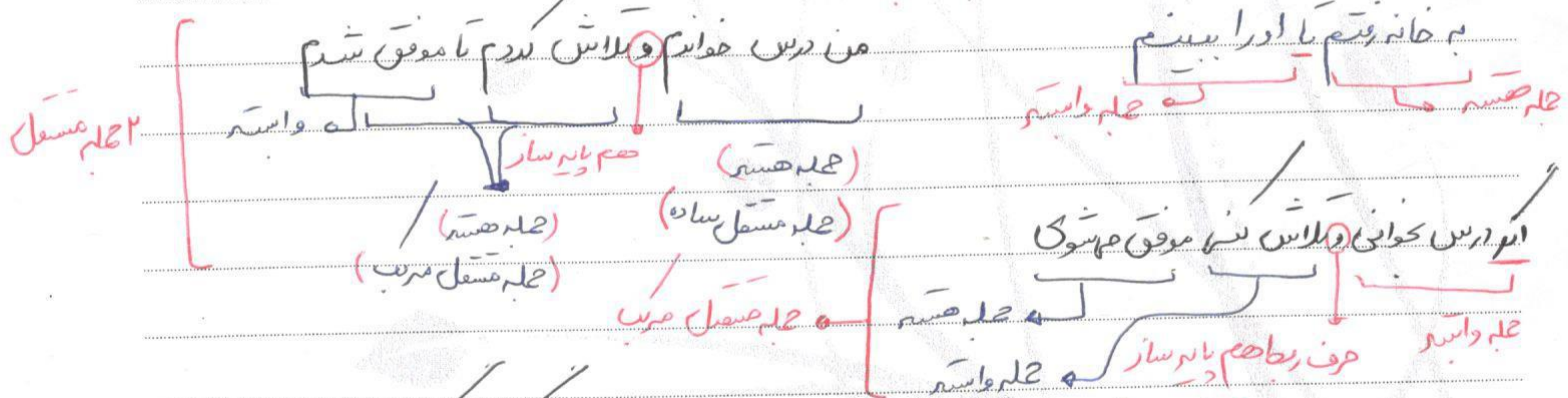
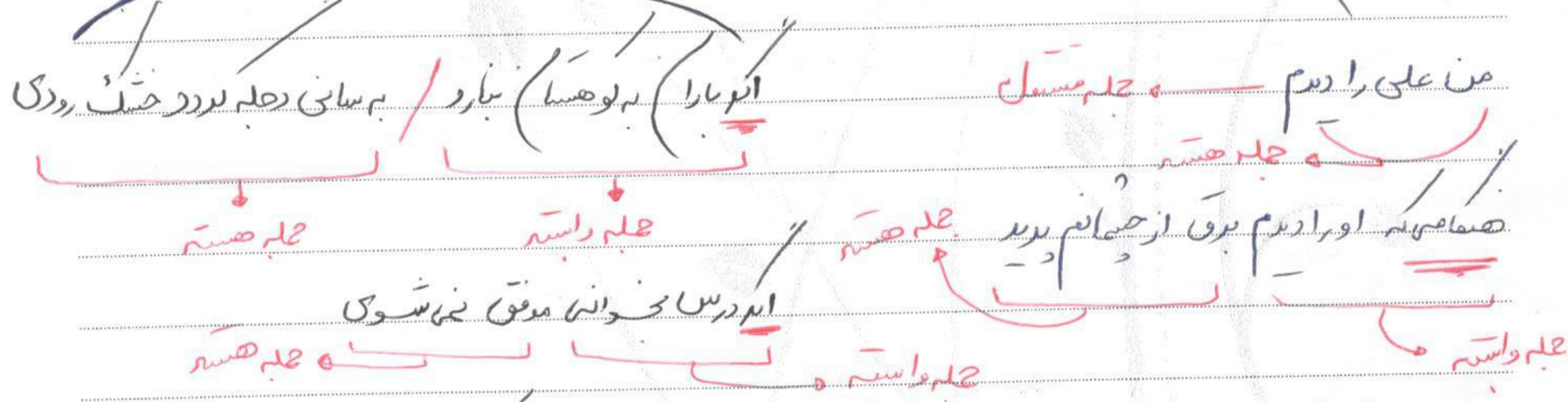
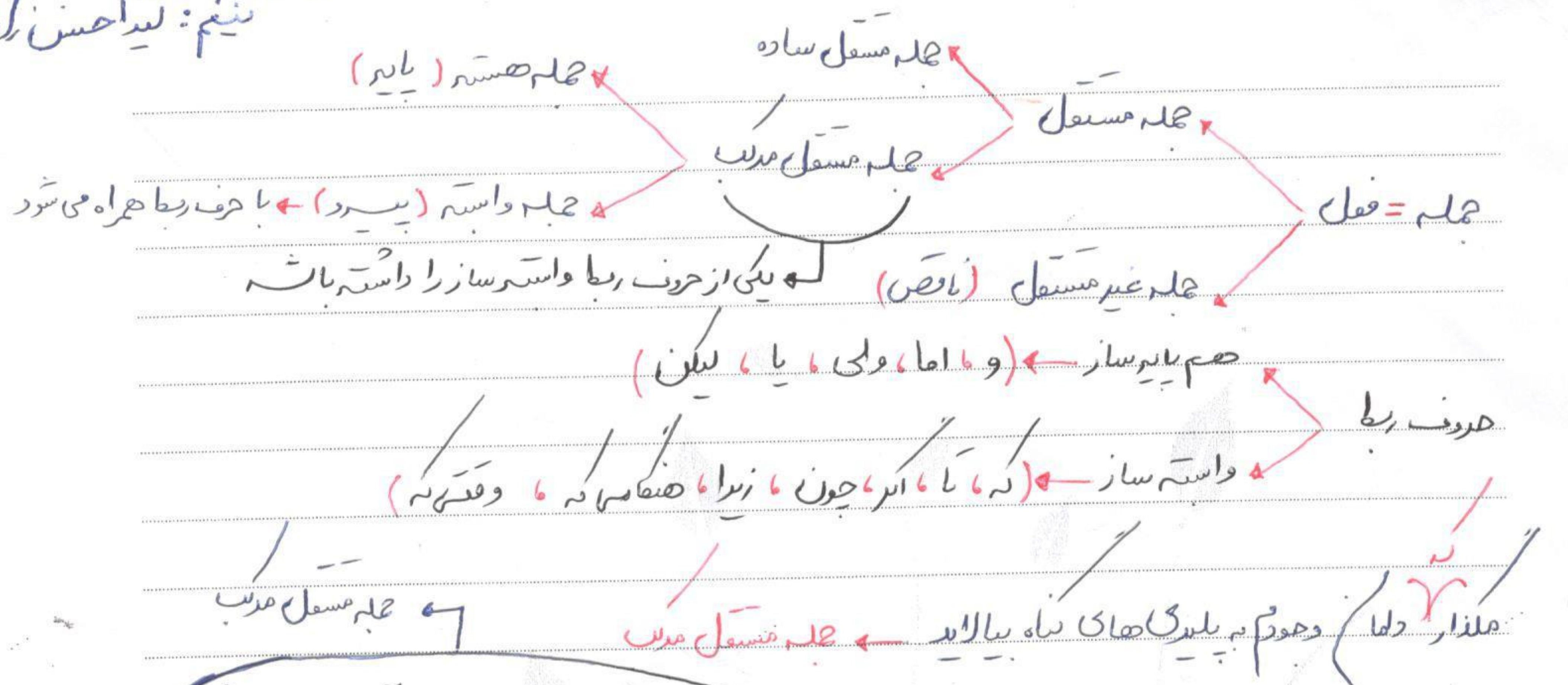
و دو رقمی
کنکور

مشاوره ی حضوری ، تلفنی و آنلاین با دانشجویان دانشگاه تهران
و صنعتی شریف



جزوه 1

تیم: لید احسن زاره



۲ - تنگم = لید احسن زاره

فعل محلی

فعل محلی

فعل محلی

نرفته است

نشسته بود

نرفته باشد

هوا به فعل ماضی بعد ماضی التزامی و یا

ماضی نقلی بود برای تشخیص فعل اصلی فعل را

هر فعلی یک کلمه است چه پیوندی و چه مرکب و چه ساده باشد

مقیم می کنیم هدفمستی که **نشد** را

نبرد = فعل اصلی

خدا را **نشد** فعل **نشد**

نرسیده ای

که **نشد**

خسته ام

آنگاه **نشد**

که **نشد**

که **نشد**

فعل محلی
فعل
مفعول
مفعول
مفعول

خدا را **نشد**

خدا را **نشد**

رفت = چیزی

آمد = چیزی

نشد

فعل خالی

گشت و سه ۳ چیزی

رفت، آمد، ماند، افتاد، شد

۲ چیزی: **آمد** (میوه رسید)، **لست**، **بود**، **پرید**، **خندید**، **نشد**، **لرست**، **رقصید**، **لقدید**

ایمانی که در طبیعت انجام می شود غالباً ۲ چیزی هستند مثل: **وزید**، **مبارد**، **شفت**، **پرید**، **خندید**، **پرید**

خوبید، درختید، تابید، خندید

(نرست، شتافت، آسود) = ۲ چیزی (به هیچ وجه نمی شوند)

هدف از آوردن آوردن مفعول است / هدف از آوردن آوردن مفعول است

رفت = بود

آمد = آمد

ماند = ماند

افتاد = افتاد

شد = شد

لست = لست

بود = بود

پرید = پرید

خندید = خندید

لقدید = لقدید

رقصید = رقصید

نشد = نشد

آسود = آسود

مبارد = مبارد

شفت = شفت

وزید = وزید

پرید = پرید

خندید = خندید

تابید = تابید

درختید = درختید

خوبید = خوبید

این ۲ چیزی را انداختیم بعد از ۳ چیزی به مفعول می شود

دوید = دوید

پرید = پرید

خندید = خندید

لقدید = لقدید

رقصید = رقصید

نشد = نشد

آسود = آسود

مبارد = مبارد

شفت = شفت

وزید = وزید

پرید = پرید

خندید = خندید

تابید = تابید

درختید = درختید

خوبید = خوبید

نشد = نشد

آسود = آسود

مبارد = مبارد

شفت = شفت

حروف اضافه: **از**، **در**، **با**، **بی**، **برای**

قیدی (قابل حذف است)

لواح مقیم (در اجزای جمله رخالت دارد) **لواح** = مقیم اجزای

اسمه (قابل حذف است)

اگر فعلی را ۳ بار یکبار کنیم فقط و فقط

حرف اضافه می شود جواب دهد مقیم، مقیم فعلی است و در روی نمودار آن می بینیم و در اجزای جمله رخالت دارد

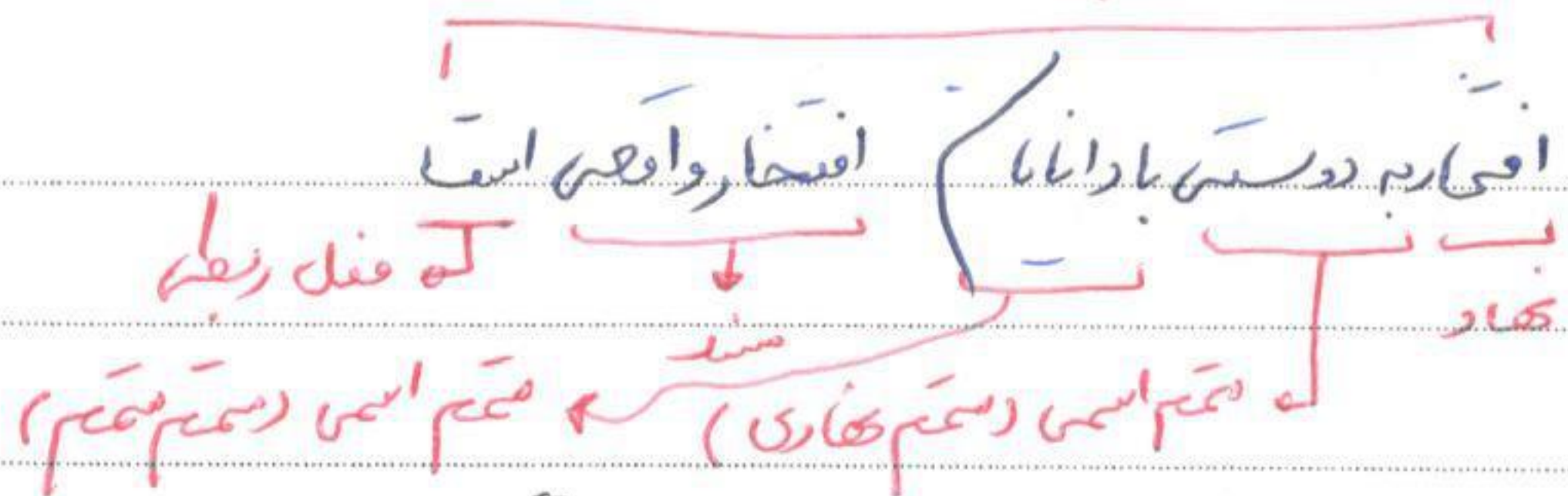
اگر اسمی را ۳ بار یکبار کنیم و اسم به یک حرف اضافه خالی جواب دهد مقیم، مقیم اسمی است که قابل حذف نیست ولی در اجزای جمله رخالت

که (خدا، منند، مفعول، مقیم) (مصدر) اسم

صرف تفضیلی + مقیم اسمی

* تصویری از

۳ خنجر با مرند (اولی ده قسمت دارد)



۶
۳۳ خبری
باصم

تَمَسَّكَ : را از
وَنَجَّى : را از
كَفَّنَ : را در
رَهَانَدُ : را از
سَوَّرَ : را بر
حَسَّنَ : را بـ

(له زرد)

* حرفی کہ خاصیت جانین بنی دانتہا ۲۰ ہستی ۲ جزئی با مفصل و مناسبت

برای بداندون بفوقه خطه هر پرسم: (هر کسی را ۸ / هر چیزی را ۸)

* مَعْلُومَاتُ مَدِينَةِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ

خود را می بیند و ۱:۵۰

$\frac{1}{n} : \frac{1}{m} = m : n$

خورد : راسته خوانند : راسته

برای: را و می از: را - می

2

۱۱. منقول و مستقیم : دار - بحسب

اَوْحَيْتَ - بِرَبِّهِ - لَقَدْ

حیدر - کدوخت - دروید - رنو

✓ (۲) موقوفہ دارالافتاء دارالعلوم دیوبند (مفت محمد رفیع)

13) مقدمه (نام مستعار)

1. عرّف مفعول ومفعول

[illegible]

اَوْحَيْتَ - بِرُسِدٍ - كَفَتْ - يَارْدَارِ - اَوْحَيْتَ - سِيدِ

(۲) مقررہ دستاویز (تعمیل ویدیا)

مفعول ومفعول

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۵/۰۳

100

3
١٤٤٢ هـ

صفت معقولی / نسبہ

ہم نشا، سی اور
سی پیارو

۱۰ خبری (معلوم)

(d) Example

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پہلے 2

ویدائسہ سرحد

فعل ماضی
↑
سُئِرَ خواهد شد
↓
سُئِدَ (سُئِدَن)

۳۰ خبری (محوال)

لغته شده بود

سافتم / فعل = عمل = مصدر

(اگر عمل بی رکنی باشد سباده است)

۱. غذا - فرو - در - باز - وا - بر - ا - ه - فعل شونده (۲ رنی)

نکته! اگر فعل ماضی به فعل مضارع تبدیل شود کاربرد همیشه عوض می شود ولی مضارع همیشه عوض نمی شود

مذکورہ ۲ اکنی ، درجہ لم بنایید ، قابل کٹوش بنات ، جزو پستین نقش نگار

گدگد شادی وادی

حَقَّ نَفْسِ بِنْدِی صمد دار

مہارتیں
 —
 یانکرہ
 علامت
 —
 مہارتیں

نقاس دوار را رنگ نو

زندگی بدین

مسلم

عيد

ع

مفتوح

ا و ز ن

ع ا و ز ن

مفتوح

مفتوح

بالا آمده بود - بالا آمدن

الحمد لله

من ماسیم ۱ بنزلی نرم

(موجود / مسموم / مسموم / مسموم) $\downarrow$ $\downarrow$ $\downarrow$

موجود

حاشیه کمی روی دار ~~سینه~~ ^۶عربی

کے اطمینان (مذہب)

۱/ ۱۶۵۰ حاجت - ۵/ ۱۶۵۰ حاجت

↓

فعل

فَلَمَّا : أَكْرَفَ فَعْلٌ ، فَعَلَ بِطَرَاهُ شَيْئًا = مَسَدَ الدَّمِ

با منبرک - مونس را ، مونس را

رسید از تمام فعلی و کسر

x اسند = فعل ربطی وجہ نین ساری

را: معنوں

سید → مہتمم قلمی

0.5 in x

Решение $\rightarrow$ ответ

جواب:

خود

دار = ۵ کجی

الور - ۴ خزیر

اولیٰ کتبہ سے پہلے ۳۰ فرسہ پہلے

Julius

مسعود

آب در روز نفوذ در ۳۰ سانتی متر

Deis

از زمین خود به اوبه زمین خود به فعل مبارک

علی از خانه آمدن آمد به علی از خانه به بیرون آمد

مهم

تعلیم: کنیه حسن زاده

لستش پذیری = نقش پذیری - به جز ۲ مورد زمین خورشید و ماه و اعدا

دار، خوانند، پوشانند، حاشا کنند
فعل صای خوانند، پوشانند و حاشا کنند
خبرد، بپایند، خبرش با مفعول و مفعول صفتند
۴ خبرش با مفعول و مفعول صفتند

این بزم از ابریشم است
فقرایم

۳ چیزیں با مسم فعل پر
اولوت با مسم ایف

او از داننا
نقد ریلو

مسم

خار

مند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روحانی : زبات / عیال (مال) یکه از فضل خارج می باشد
۳ خبری : وندش / یعنی دوست داشتن دیگران

کتابخانه = است

نوع فعلیہ = اسم

نوع فعلیہ : حرف الحذف + اسم + فعل م

(بجائے اسم، بوجہ اور ب. ا. ش. س. م. ب. تصویر کشیدن و از یاد برداشتن)

اگر فعل باشد در جمله فاعل و مفعول
۳ خبری یا مفعول است.

2
موفقاً

بہار حسن نواز